

پیام وحدت و ایستادگی سر داده شد؛

حضور حماسی خانواده بزرگ فولاد آلیاژی ایران در راهپیمایی باشکوه روز قدس



حمایت از مقاومت تأکید کرد. کاروان باشکوه فولاد آلیاژی ایران، متشکل از مدیران، روسای واحدها و جمع کثیری از همکاران، با در دست داشتن پلاکاردها و سردادن شعارهای وحدت‌آفرین، همبستگی عمیق خود را با مردم مظلوم فلسطین و آرمان قدس شریف اعلام داشتند.

این حضور یکپارچه و حماسی، بار دیگر نشان داد که خانواده فولاد آلیاژی ایران، همواره در خط مقدم دفاع از ارزش‌های اسلامی و انسانی ایستاده و پیام صلح، عدالت و آزادی را به گوش جهانیان می‌رساند.

در سالروز جهانی قدس، ملت سرافراز ایران اسلامی بار دیگر با حضوری شکوهمند، فریاد آزادی‌خواهی و انزجار خود را از رژیم صهیونیستی سر داد. در این میان، خانواده بزرگ شرکت فولاد آلیاژی ایران نیز دوشادوش سایر هموطنان، با صلابت و انسجام مثال‌زدنی در این راهپیمایی عظیم شرکت کردند.

به گزارش روابط عمومی فولاد، در این حضور پرشور، دکتر محسن مصطفی‌پور، مدیر عامل شرکت فولاد آلیاژی ایران نیز همراه با جمعی از مدیران و همکاران، ضمن پیاده‌روی در مسیر راهپیمایی، بر اهمیت تاریخی و معنوی روز قدس و ضرورت

داستان

عمل نکرده!

حدود ساعت ۴ عصر، پلیس، ورودی بلوار دهه فجر را بسته بود. پشت سرش، چراغ‌های آتش‌نشانی را دیدیم. آبگرفتگی، تصادف یا قطعی برق؟ رفت و آمد بی‌نظم موتورسوارهای بسیجی و امنیتی خبر از حادثه‌ای جنگی می‌داد. بوق زدم برای جوان مغازه‌دار. پرسیدیم: چه خبره؟ با هیجان گفت: موشک زدن! فکر کردم شوخی می‌کند. آسمان یزد صاف و آفتابی بود. گفتیم: صدا؟ انفجار؟ دود؟ کو پس؟ گفت: عمل نکرده!

علامت انگشتش جایی بود نزدیکی‌های کوچه‌مان. گوش‌ام خاموش شده بود. نگران بچه‌ها بودم فقط. تنها بودند توی خانه. چشم‌به‌هم زدن ترافیک شد. بسیجی‌ها مثل مور و ملخ ریختند و کوچه‌هایی که به بلوار می‌رسید را بستند.

خیابان‌ها را دو سه دور چرخ زدم. سربکی از کوچه‌ها به یک لباس شخصی گفتیم: خونه‌مون اینجاست؛ بذار برام!

گفت: برا خودت می‌گیم؛ خطرناکه، برو از میدان صاحب‌الزمان راه پیدا کن!

گفتیم: چی شده؟

گفت: موشک خورده تو یکی از کوچه‌ها!

گفتیم: کدوم کوچه؟

گفت: نمیدونم!

برگشتم. از خیابان مهدی انداختم سمت محله موسی‌ابن جعفر و رفتم داخل خیابان خیام. کوچه‌ها را پیچ‌در پیچ رفتم تا رسیدم سر کوچه.

سر کوچه باز بود. خیالم از بچه‌ها راحت شد.

ماشین را جلوی خانه پارک کردم. زنگ زدم. حسین گوش‌به‌دست وسط بازی آمد دم در. فهمیدم سروصدایی نشده. گوش‌ی را دادم بهش گفتیم: بذار توی شارژ.

پیاده رفتم توی بلوار. دو طرف تک و توک ماشین رد می‌شد. انگار همه راه‌ها را بسته بودند. تعمیرکار بنز و تویوتا با شاگردش ایستاده بود کنار خلیفه شیرینی‌پزی.

هشنگ ثابتی تکرار می‌شد: بمب عمل نکرده!

کسی خبر نداشت کجا خورده! یکی می‌گفت: می‌خوان شهرها رو ناامن کنن؛ شنیدم تو چندتا شهر پل‌ها رو زدن!

از شاگرد بستنی‌فروشی پرسیدیم: کجا خورده؟

گفت: میگن افتاده زیر پل!

جوانکی به سیگارش پوکی زد و گفت: موشک رو چه به این محله‌ها؟

و کله سیگار را برعکس توی مشت قایم کرد. شاگرد تعمیرکار خندید: دود غلیظ روزه رو باطل می‌کنه!

جوانک خندید: چس دود زدم!

خلیفه گفت: پدسگ مادر... انبار شیرخشک می‌زنه، محله ما که کوپته!

قدم‌زنان رفتم جلو. برعکس مسیر خیابان. بسیجی‌ها التماس‌گونه مردم را متفرق می‌کردند.

موتوری رهگذر از بسیجی وسط خیابان پرسید: آخه پایین شهر چی چی داره که زدن؟

بسیجی گفت: کور می‌زنه بی‌ناموس!

جنگ چقدر آدم‌ها را بددهن کرده! (

موبیگی از بغلش رد شدم و رفتم جلوتر.

آن‌سر پل را بند آورده بودند. روی خط وسط خیابان ایستادم. زیر پل خبری نبود.

یکی داد زد: چرا این قصابی رو نبست! /

محمدعلی جعفری

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار یزد خبر داد؛

تعرض دشمن به یک منزل مسکونی در یزد

انجام است. دهستانی بیان کرد: خوشبختانه این پرتابه نیز خسارتی نداشته است، از مردم و شهروندان خواهشمندیم که ترددی در آن مسیر نداشته باشند.

وی بیان کرد: همه شرایط تحت کنترل است و خوشبختانه تاکنون هیچ گونه خسارتی نداشتیم با همکاری و همراهی همیشگی مردم این موضوع هم مدیریت خواهد شد.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار یزد از تعرض به یک منزل مسکونی در یزد خبر داد. به گزارش مهر، اسماعیل دهستانی عصر شنبه در جمع خبرنگاران از وقوع حادثه در یک محل مسکونی خبر داد و گفت: در حوالی میدان خاتمی شهر یزد، پرتاب یک شی ناشناس به یک منزل مسکونی اتفاق افتاده است که تیم ای ام‌ادارسان و ارزیاب حضور دارند و ارزیابی در حال